

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران  
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان  
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷  
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸  
توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

# شترق

## روزنامه

پنجشنبه ۱۳ دی‌ماه ۱۴۰۵ • ۵۴۵۱۴۴۷ • ۲۳ آریل ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۶۷ • صفحه ۸  
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۳ • اذان مغرب ۱۹:۰۳ • اذان صبح فردا ۵:۵۰ • طلوع آفتاب ۵:۲۱



رودخانه قرلازون، طولانی‌ترین رودخانه شمال غرب کشور و یکی از اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان آب رودخانه سفیدرود به‌شمار می‌رود. قرلازون امید روان کشاورزان، پرورش‌دهندگان ماهی و غالی‌کاران در پنج استان است. بارش‌های بی‌دری در بهار سال جاری، سبب پرآب‌شدن بیش از پیش این رودخانه دانمی شده؛ به طوری که تمامی شالیزارها و زمین‌های کشاورزی حاشیه این رودخانه سیراب شده‌اند. عکس: احسان تقی‌بیگلر، ایسا

instagram:sharghdaily1   twitter:sharghdaily   youtube:sharghdaily   Telegram:SharghDaily   aparat:tashvirshargh   www.sharghdaily.com

## اینترنت طبقاتی

### قطع درآمدت اینترنت، شکافی میان قانون اساسی و واقعیت دیجیتال



حمیدرضا آقا‌بابائیان

وکیل پایه یک دادگستری

دیجیتال، ناامیدی و استیصال اجتماعی را در پی دارد.

#### چالش‌های حقوقی در قرار دادها و مسئولیت مدنی

علاوه بر بحث حقوق بشر، این مسئله چالش‌های پیچیده‌ای را در حوزه «حقوق تجارت» ایجاد می‌کند. در دنیای دیجیتال، بسیاری از تعهدات قراردادی (مانند خدمات ابری یا فروش آنلاین) مستلزم اتصال مداوم به شبکه است. ایجاد اینترنت طبقاتی یا قطع ناگهانی آن، باعث بروز مشکل در بحث «قوه قهریه» (Force Majeure) می‌شود. وقتی اجرائشدن تعهد ناشی از سیاست‌های دسترسی به شبکه باشد، مسئولیت مدنی و جبران خسارت‌ها وارد یک بن‌بست حقوقی می‌شود که می‌تواند منجر به سیل عظیمی از دعاوی قضائی و بی‌اعتمادی در روابط تجاری شود. به هر صورت در مقام نتیجه، در ضرورت بازنگری در نگاه به زیرساخت‌های دیجیتال و برقراری فوری اینترنت باید گفت: اولاً، برای گذار از بحران‌های اقتصادی و حفظ ثبات اجتماعی، باید نگاه خود را درباره اینترنت تغییر دهیم. اینترنت نباید به عنوان یک کالای مصرفی که براساس قدرت خرید توزیع می‌شود، نگریسته شود، بلکه باید به عنوان یک «حق عمومی» و «زیرساخت استراتژیک» در نظر گرفته شود.

## روان‌خوانی

### ترومایی که درون‌مان را تسخیر کرده

همین یکی، دو روز پیش بود که در جمع با هر صدای رعدوبرقی می‌پرید. حتی گاهی هم شک می‌کرد. شب دو بار از خواب بیدار شده بود و پرسیده بود حمله شد؟ خودش به شوخی می‌گرفت اما در خلوت می‌دانست که خبری است. هنوز در حال‌وهوای انفجارها می‌گذرانم. حتی با اینکه ۱۵ روز بیشتر بود که می‌گذشت، اما انگار بدن در حالت آماده‌باش بود. این بخشی از تجربه خیلی از ما در این روزهایی است که حتی نمی‌دانیم به آن پسا‌جنگ می‌گویند یا آتش‌بس. شاید در ظاهر جنگ تمام شده. اما درون خیلی‌ها غوغایی برپاست. از واکنش‌های ناگهانی به صدا گرفته تا دشواری در تصمیم‌گیری، بی‌حسی به حتی ناتوانی در احساس آرامش. به گزارش فرارو، متخصصان سلامت روان این واکنش‌ها را نه نشانه اختلال، بلکه بخشی از تلاش طبیعی انسان برای تطبیق با وضعیت‌های شدید روانی می‌دانند؛ تلاشی که گاه دیرتر از واقعیت بیرونی به نتیجه می‌رسد. بسل ون در کولک، روان‌پزشک هلندی، با عنوان «بدن تروما را نکه می‌دارد» این شرایط را توضیح می‌دهد که در واقع «تروما» فراتر از خاطره و تجربه‌ای است که در بدن ذخیره می‌شود. پس حتی وقتی خطر رفع شده، بدن همچنان در همان الگوی «آماده‌باش» باقی می‌ماند. بنابراین واکنش‌هایی مثل تپش قلب، پریدن از جا یا هر صدایی یا انقباض عضلات، بیشتر به تجربیات گذشته مربوطاند تا حال حاضر. گاهی هم ممکن است «ذهن مثل فیوز عمل کرده و برای کنترل جریان برق، سیستم حفاظتی خود را روشن می‌کند. حالا فرد ممکن است با بی‌حسی، کاهش تمرکز یا اختلال در درک زمان مواجه شود». جودیت هرمن، روان‌پزشک آمریکایی، «حس امنیت» را پایه‌ای‌ترین نیاز روانی انسان تعریف می‌کند؛ حسی که در مواقع بحران از بین می‌رود و بازسازی آن زمان خواهد برد. به همین دلیل است که حتی پس از پایان جنگ هم بسیاری تا مدت‌ها احساس آرامش نمی‌کنند.

در عصر حاضر، دسترسی به پهنای باند و اینترنت پرسرعت، دیگر یک کالای لوکس نیست، بلکه «حق» برخورداری از امکانات زندگی است. با این حال، آنچه امروز در فضای سایبری کشور شاهد آن هستیم، ظهور پدیده‌های نگران‌کننده تحت عنوان «قطع طولانی اینترنت به علت جنگ» و «اینترنت طبقاتی» است؛ وضعیتی که در آن، کیفیت اتصال، سرعت دسترسی و امکان ورود به عرصه‌های اقتصادی و آموزشی، به نفع مالی افراد بستگی دارد. این شکاف دیجیتال نه تنها یک مسئله فنی، بلکه یک چالش عمیق حقوقی، اجتماعی و امنیتی است که بنیان‌های عدالت اجتماعی را به شرح زیر هدف قرار داده است.

#### نقض اصل برابری؛ وقتی قانون از واقعیت فاصله می‌گیرد

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مبنای ملت و دولت، در چندین ماده بر اصل «برابری حقوق عمومی» و «عدالت اجتماعی» تأکید و تصریح دارد. این اصول بیان می‌کند همه ایرانیان در برابر قانون، در بهره‌مندی از حقوق عمومی و آزادی‌های فردی، برابر هستند. اما وقتی دولت یا نهادهای زیرساختی، دسترسی به اینترنت را به‌گونه‌ای مدیریت می‌کنند که فقط لایه‌های مرفه و خودی، نظیر بعضی از افراد در قوای سه گانه، مانند نمایندگان مجلس و وزرا و امثالهم در جامعه قادر به دسترسی به اطلاعات باکیفیت و خدمات آنلاین باشند و با گذاشتن پست در فضای مجازی نظیر «X» آن را به رخ مردم می‌کشند، در واقع در حال ایجاد یک طبقه خاص با «امتیاز طبقاتی» در جامعه هستند. قطع اینترنت عامه و

### درباره سریال «بدنام»

## عشق در یک مثلث مردانه

#### رضائانی

باشد یا عشقی ممنوع و البته در اینجا با هر دو هدف سروکار دارد که در یک درهم‌تندگی دراماتیک به هم گره می‌خورد تا امکانی برای یک رمزگشایی متهلپ برای مخاطب فراهم شود. قصه از مثلی عاشقانه شروع می‌شود که به‌مور روایت هر ضلع شکل می‌گیرد. هرچه جلوتر می‌رویم، با رمزگشایی از ابعاد چندلایه این موقعیت پیچیده که هم با سوبه‌های روان‌شناختی شخصیت‌ها و هم با نوعی نقد اجتماعی آشکار آمیخته، قصه در یک موقعیت تعلیقی عمیق‌تر قرار گرفته و به امکانی برای یک تماشای کنشگرانه برای تماشاگر تبدیل می‌شود.

شاید بتوان گفت آنچه این‌همه به‌نمایه این‌تعلیق آفرینی‌های متهلپ را شکل می‌دهد، تغییر شوکه‌آمیز کاراکترهاست که در آثار پیشین عقانیز می‌توان رد این مؤلفه را پیدا کرد. حالا در اینجا با سه‌گانه مردانه‌ای مواجه هستیم که در نسبت با یک زن صورت‌بندی شده و به نظر می‌رسد با شگفتانه‌های دراماتیک شوک‌آورتری مواجه شویم که قصه را در پیچ‌های دلپه‌رآور خود در مسیری پرفرازونشیب قرار می‌دهد. فارغ از صورت‌های دراماتیک کاراکترها، هم‌بازی‌شدن

در یک تعریف و خوانش کلی می‌توان سریال «بدنام» را یک درام عاشقانه نامتعارف دانست که شکل متفاوتی از یک مثلث عشقی را صورت‌بندی کرده تا در درون این بافتار دراماتیک به تقابلی نسلی در تجربه مشترک عشق دست بزند. به‌همین‌دلیل از همان ابتدا روی خطی جنجالی و بر لبه تیز تابوشکنی‌ها حرکت می‌کند که می‌توان آن را به روایت روی خط قرمزها تعریف کرد. شاید به همین دلیل است که در همان قسمت اول، مخاطب را مجذوب قصه خود کرده و با آدم‌های قصه‌اش همراه می‌کند. البته پیش‌ازاین هم در آثار قبلی که حامد عفا نوشته یا کارگردانی کرده، شاهد شمایل نامتعارفی از تجربه عاشقانه بودیم؛ از جمله در سریال‌هایی مثل «تهایی لایه» و «آقازاده» و «گناه فرشته».

قصه‌هایی که البته در سوبه‌های فردی یک تجربه عاشقانه محدود نشده و به زمینه‌های اجتماعی وصل شده و گره می‌خورد. به نظر می‌رسد «بدنام» گرچه در همان فضا و اتمسفر دراماتیک سریال‌های پیشین نفس می‌کشد، اما روی به سمت نوعی ساختار شکنی درون‌گفتمانی دارد تا در یک فضای آشنا دست به آشنایی‌زدایی بزند.

داستان سریال، قصه افرادی را روایت می‌کند که برای رسیدن به هدف، هر کاری می‌کنند. این هدف می‌تواند پول



حسن پورشیرازی و امیر آقایی یک ترکیب طلایی را شکل داده که در زمینه یک رقابت عاشقانه-تجاری می‌تواند لحظات جذابی را رقم بزند. البته ضلع سوم این رابطه با بازی سینا مهرداد را نباید دست‌کم گرفت که جنس بازی او با این ترکیب سه‌گانه سنجیده دراماتیک و روان‌شناختی دارد. در بخوایم پیش‌انگاره قصه سریال «بدنام» را فرض بگیریم، باید داستان را بر فرضیه «همیشه پای یک زن در میان است» مستقر کنیم که این مثلث عاشقانه مردانه بر محور آن صورت‌بندی می‌شود. اگر عنصر و مؤلفه سنی این سه مرد را در نسبت با مرد قصه در نظر بگیریم، با یک موقعیت چندگانه مواجه هستیم که این تجربه عاشقانه را در سه وضعیت روان‌شناختی قرار می‌دهد. هرکدام از این موقعیت‌ها می‌تواند تفسیرها و المان‌های معنایی خود را خلق کرده و قصه را در یک سیالیت معنایی قرار دهد؛ سیالیتی که زاویه دیدهای متغیر فراهم می‌کند تا هم خود موقعیت به تفسیرپذیری پیچیده و چندلایه راه دهد و هم مخاطب در این دالان پرتعلیق و در نسبت با هر یک از این سه مرد، ذهنیت دراماتیک خود را بنا کرده و براساس آن به تماشای و معنای درام دست بزند.

از این‌رو می‌توان گفت ساختار دراماتیک قصه به گونه‌ای است که نمی‌توان در یک موقعیت متقن ایستاد و به قضاوت و داوری درباره شخصیت‌ها دست زد. به عبارتی دیگر، این وضعیت سه‌گانه، یک موقعیت پلورالیسمی اخلاقی فراهم کرده که نمی‌توان به‌راحتی از درون آن به یک تفسیر واحد رسید یا حکم اخلاقی صادر کرد.

با این حال به نظر می‌رسد در این‌میان شخصیت‌های قصه و بیش از همه، این «حاج ابراهیم» با بازی خوب حسن پورشیرازی است که در کانون توجه مخاطب و البته مرکز خود درام است؛ شخصیتی که گویی قرار است دوگانگی او را در شمایل یک هیولای راکار به تماشای بنشینیم. شخصیتی که رگه‌هایی از شمایل «غلام باستانی» فیلم «بیر پسر» را هم با خود دارد؛ گرچه پورشیرازی تلاش کرده با تمایزگذاری دراماتیک در اجرای نقش، استقلال هویتی این کاراکتر را حفظ کند. ضمن اینکه از سوی دیگر با یک رابطه دوگانه چالش‌برانگیز بین حاج ابراهیم و عماد مواجه هستیم که می‌تواند بخش عمده‌ای از انتقادات قصه را به خود اختصاص دهد.

حاج ابراهیم، شخصیت ظاهر‌الصلاح و تاجر متمول و پرفروزی است که به نظر با آدم‌های شناسایی‌شده و شناخته‌شده دارد و عماد به عنوان وکیلی جاه‌طلب دوست دارد از نفوذ او برای انجام معامله‌های بزرگ استفاده کند. حالا باید منتظر بود تا دید در ادامه این قصه که از ریتم و تعلیق پرشتابی هم برخوردار است. این دو در کنار رقیب جوان سوم خود پای یک معشوق مشترک چه قصه‌هایی را رقم می‌زند؛ قصه‌ای که در عین مردانه‌بودن درنهایت با یک تجربه زنانه رقم می‌خورد.

## آسایشگاه سالمندان پناه



### واقع در جنت آباد شاهین شمالی

### نگهداری سالمند به صورت شبانه روزی

### ویزیت پزشک، فیزیوتراپ، روانشناس

۰۹۱۲۶۱۱۷۷۱۶ - ۰۹۱۲۸۲۳۹۹۴۶

۴۴۲۷۴۸۱۹ - ۴۶۱۳۹۸۲۷

https://ble.ir/saraye\_pناه

